مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره۱۵ ، بهار۱۳۹۸ جلد۳، ص۱۳۲-۱۲۱

http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۱۳۲-۱۲۱

تأثیر آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر سبک‌های فرزند پروری مادران کودکان دبستانی

ساره صادقی نیسیانی[۱]، سمانه سادات طباطبایی[۲]

[۱]دانشجوی دکترای روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

[۲] استادیار دانشگاه اسلامی بیرجند

نویسنده مسئول:

ساره صادقی نیسیانی

چکیده:

این تحقیق باهدف تأثیر آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر سبک‌های فرزند پروری مادران کودکان دبستانی صورت گرفت. روش تحقیق آزمایشی بود و با طرح پیش‌آزمون – پس‌آزمون و گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری این تحقیق، مادران کودکان دبستانی بود و با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای ابتدا از بین نواحی پنج‌گانه آموزش‌وپرورش شهر اصفهان، یک ناحیه به تصادفی انتخاب شد، سپس از بین تمام مدارس ابتدایی این ناحیه، به‌صورت تصادفی یک مدرسه برای گروه آزمایش و یک مدرسه برای گروه کنترل انتخاب شدند و از بین دانش آموزان این دو مدرسه، به‌صورت تصادفی ۲۰ نفر برای گروه آزمایش و ۲۰ نفر برای گروه کنترل انتخاب شدند. پس از مشخص شدن اعضای گروه کنترل و گروه آزمایش، از مادران هر دو گروه پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند اجرا شد. مادران گروه آزمایش در ۸ جلسه ۲ ساعته آموزش اصلاح رابطه والد – فرزندی و مدیریت تعارض شرکت نمودند سپس بر مادران هر دو گروه آزمایش و کنترل پس‌آزمون اجرا شد. داده‌های با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS21 و تحلیل کوواریانس تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش اصلاح روابط والد- کودک و مدیریت تعارض بر خرده مقیاس‌های استبدادی و اقتدار منطقی از سبک‌های فرزند پروری مادران تأثیر معناداری داشت ($P<0.01$) و بر خرده مقیاس آزاد گذاری مادران تأثیر معناداری نداشت ($P>0.05$). بر اساس نتایج به‌دست‌آمده آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض به افزایش سبک اقتدار منطقی و کاهش سبک استبدادی در مادران دارای کودکان دبستانی کمک کند.

واژگان کلیدی: اصلاح روابط والد-کودک، مدیریت تعارض، سبک‌های فرزند پروری

مقدمه

اهمیت و نقش خانواده به عنوان اولین جایگاه اجتماعی و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی رفتارهای فرزندان بر کمتر کسی پوشیده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. رابطه والد-کودک، همواره موردتوجه پژوهشگران بوده است (مرز، چانگل و چالز[۱]، ۲۰۰۹). نقش والدین در رشد کودک (براون و رایت[۲]، ۲۰۰۳) و رابطه‌ی مثبت والد-کودک، اثر مثبت و تأثیرگذاری بر رشد عاطفی کودکی، مراحل بعدی زندگی کودک (گالارین و آلانسو[۳]، ۲۰۱۲) و آسیب کمتر در زندگی وی دارد (یوشیزومی، موریس، موراکامی و تاکای[۴]، ۲۰۰۷)، رشد اجتماعی و احساس ایمنی کودک در زندگی از این رابطه حاصل می‌شود (گوردون[۵]، ۲۰۰۸).

هر خانواده سبک‌های خاصی را در تربیت جسمی و روحی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این سبک‌ها که سبک‌های فرزند پروری نامیده می‌شوند متأثر از عوامل مختلفی ازجمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی است (هاردی[۶] و همکارن، ۱۹۹۳). سبک‌های فرزند پروری به عنوان مجموعه از رفتارها که تعاملات والد-کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند، فرض شده است که یک جو تعاملی اثرگذار را به وجود می‌آورد و بیان‌گر نگرش‌هایی است که والدین نسبت به فرزندان خود دارند هم‌چنین شامل قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (گرولنیک[۷]، ۲۰۰۹)

بامریند[۸] (۱۹۷۱) مشخصات سه سبک فرزند پروری را از یکدیگر متمایز کرد: سبک فرزند پروری مقتدر[۹]، سلطه‌جو[۱۰](مستبد) و سهل‌انگار[۱۱]. مشخصه سبک مقتدر، گرمی، ثبات در فرزند پروری و کمی اعلان قدرت است، ارتباطات گسترده و پرورش فردیت و جستجوگری از ویژگی‌های این سبک است. والدین سلطه‌جو بر همنوایی، اطاعت و احترام به نظر مراجع قدرت در خانواده تأکید دارند. والدین سهل گیر ترکیبی از کنترل و نظم پایین را نشان می‌دهند و قوانین کمی در خانه حکم‌فرما می‌کنند (جینس بورگ[۱۲]، ۲۰۰۶).

سبک‌های فرزند پروری یک عامل تعیین کننده و اثرگذار بر روی شخصیت کودکان است که نقش مهمی در رشد روانی کودکان ایفا می‌نماید (گرولنیک، ۲۰۰۹). در تحقیقات مختلف به بررسی سبک‌های فرزند پروری بر متغیرهای مختلف و تأثیرگذار در رشد کودکان بررسی شده است برای مثال: نقش سبک‌های فرزند پروری در اختلالات رفتاری کودکان (مجد، ۱۳۸۳)؛ نقش سبک‌های فرزند پروری در عزت‌نفس کودکان (مارتینز، گارسیا و یوبرو، ۲۰۰۷)، رابطه‌ی سبک‌های فرزند پروری در خلاقیت و پیشرفت تحصیلی کودکان (مهرافزا، ۱۳۸۳)؛ نقش الگوهای فرزند پروری در میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی کودکان (کماچالی و همکاران، ۱۳۸۶)؛ رابطه‌ی بین سبک‌های فرزند پروری و باورهای معرفت‌شناختی و پیشرفت تحصیلی کودکان (رضایی و خداخواه، ۱۳۸۸)، نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در جهت‌گیری هدف پیشرفت کودکان (مشتاقی، میرهاشمی و شریفی، ۱۳۹۲)، نقش سبک‌های فرزند پروری در خلق‌وخو کودکان (لی[۱۳] و همکاران، ۲۰۱۲)، نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌گیری از بزهکاری کودکان (سچواردر و موان[۱۴]، ۲۰۱۴)، نقش سبک‌های فرزند پروری در مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره کودکان (یوسفی، ۱۳۸۶)؛ نقش سبک‌های فرزند پروری در سازگاری کودکان (ابار، کارتر و وینسسلر[۱۵]، ۲۰۰۹)، نقش سبک‌های فرزند پروری در جلوگیری از رفتارهای منفی کودکان (چافین، سیلوسکی، فاندربرک و وال[۱۶]،۲۰۰۴) مورد بررسی قرار گرفته است که پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر تأثیر مهم سبک‌های فرزند پروری در رشد و پرورش کودکان دارد به همین دلیل در پژوهش حاضر، پژوهشگر به دنبال تغیر سبک‌های فرزند پروری مادران دارای کودکان

1- Merz, Schuengel, & Schulze
2- Brown & Wright
3- Gallarin & Allanso
4- Yoshizumi, Murase, Murakami & Takai
5- Gordon
6 . Hardy
7. Grolnick
8. Baumrind
9 . authoritative
10 . authoritarian
11 . permissiveness
12. Gonzalez& Wolters
13. Lee
14. Schroeder& Mowen
15- Abar, Carter & Winsler
16 - Chaffin, Silovsky, Funderburk, Valle & Brestan

دبستانی است. از آنجا که سبک‌های فرزند پروری در محیط خانواده اعمال می‌شود و محیط خانواده بیشتر از هر چیز دیگری متأثر از روابط والد-کودک و مدیریت تعارض در آن است (السون[1]، ۲۰۰۱).

تعارض‌ها و مشکلات درون خانواده باعث ایجاد مشکلات و آسیب‌های روانی و رفتاری در کودکان می‌شود و درنهایت بر کارکردهای مختلف آنان در زندگی و در طول عمر، تأثیر منفی می‌گذارد (اولسون، ۲۰۰۰). ارتباط مشکل‌دار والد-کودک، تأثیر جبران‌ناپذیری خواهد داشت، در متون تحقیقی به نظریات زیر اشاره‌شده است: اختلال‌های اضطرابی (وارن و همکاران[2]، ۱۹۹۷)، رفتار پرخاشگرانه (پینزی و همکاران[3]، ۲۰۰۱)، شکست در اتمام دوران تحصیل (مارکوس و ساندرز ریو[4]، ۲۰۰۱)، علائم افسردگی در کودکان (آبلا و همکاران[5]، ۲۰۰۵)، افسردگی در نوجوانان (ایرونز و گیلبرت[6]، ۲۰۰۵) و افسردگی در سنین بزرگ‌سالی (هانکین و همکاران[7]، ۲۰۰۵)، علائم اضطرابی در نوجوانان (موریس و میسترز[8]، ۲۰۰۲) و اضطراب در بزرگ‌سالان (صفوی و معروفی، ۱۳۹۱). با توجه به تأثیر مثبت و سازنده ارتباط سالم و اثرات مخرب ارتباطات ناسالم، تحقیق‌های زیادی به بررسی مداخله‌های مؤثر بر ارتباط والد-کودک پرداخته‌اند (عباسی و نشاط دوست، ۱۳۹۲؛ سولیمر، اونو، تییمر و جویین-جونز[9]، ۲۰۰۸).

در تعاملات والد – کودک، یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها، حل تعارض‌ها در این ارتباط است (بریکن، لجیست، بورد هوجی و مایست[10]، ۲۰۰۹). حل تعارض‌ها در کنترل پرخاشگری عامل مؤثری است (فلدمن، ماسالها و دردیکمن-ایرون[11]، ۲۰۱۰). مدیریت تعارض عبارت است از توانایی حل تعارض‌ها، حل اختلاف‌ها در گفت‌وگوها و مدیریت اختلافات میان فردی است و به‌عنوان مهارتی ضروری موردنیاز است (مک‌کوبی[12]، ۱۹۹۲).

بهبود روابط و مدیریت تعارض، با سبک‌های فرزند پروری ارتباط دارد (وبستر و هاموند[13]، ۱۹۹۸). بر این اساس حوزه ارتباطی خانواده، اصلاح روابط والد-کودک و حل تعارض‌ها را شامل می‌شود. برطرف کردن مشکلات خانواده و ایجاد فضایی مناسب در خانه منجر به سلامت جسمانی و روانی کودکان و بهبود عملکرد مناسب در مدرسه و جامعه می‌شود (ثنایی، ۱۳۸۷).

با توجه شرایط کنونی خانواده‌ها در مرحله گذار به سمت جامعه مدرن و درحال‌توسعه هستند، وجود تعارض‌ها مخصوصاً بین والدین و فرزندان که از دو نسل متفاوت هستند روزبه‌روز در حال زیاد شدن است. والدین امروز لازم است به مهارت‌های مناسب جهت مدیریت این تعارض‌ها به شکل بهینه مجهز باشند (شعاری نژاد،۱۳۸۲). در این راستا آموزش و تقویت مهارت‌های لازم جهت مدیریت تعارض‌های والد- فرزندی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه، تأثیر اصلاح روابط والد – کودک و مدیریت تعارض بر سبک‌های فرزند پروری مادران کودکان دبستانی، بررسی نشده است. این پژوهش بر آن است که به بررسی تأثیر آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض، بر سبک‌های فرزند پروری مادران کودکان دبستانی بپردازد.

روش

این پژوهش تجربی بوده و از دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده‌شده است. جامعه آماری این پژوهش، مادران کودکان دبستانی شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۹۴- ۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل دادند و با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌این‌ترتیب که از بین نواحی پنج‌گانه آموزش‌وپرورش اصفهان، ابتدا یک ناحیه (ناحیه ۱) تصادفی انتخاب شد، سپس از بین مدارس ابتدایی این ناحیه، ۲ مدرسه تصادفی انتخاب شدند، یکی از آن‌ها برای اجرای برنامه آموزشی، یعنی گروه آزمایش و مدرسه دیگر را برای گروه کنترل انتخاب گردیدند. سپس از هرکدام از این مدارس به‌صورت تصادفی، ۲۰ دانش‌آموز

1. olseon
2- Warren, Houston, Egeland, & Sroufe
3- Pinzi, Ram, Har-Even, Shnit, & Weizman
4- Marcus & Sanders-Reio
5- Abela, Hankin, Haigh, Adams, Vinokuroff & Trayhern
6- Irons & Gilbert
7- Hankin, Kassel, & Abela
8- Muris & Meesters
9- Solomon, Ono, Timmer & Gooin-Jones
10- Vereecken, Legiest, Bourdeaudhuij & Maes
11 - Feldman, Masalha & Derdikman-Eiron
12- Maccoby
13- Webster-Stratton & Hamond

انتخاب شدند. پس از مشخص شدن اعضای گروه کنترل و گروه آزمایش، از مادران هر دو گروه پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند (ساعتچی و همکاران، ۱۳۸۹) اجرا شد. مادران گروه آزمایش در ۸ جلسه ۲ ساعته آموزش اصلاح رابطه والد – فرزندی و مدیریت تعارض شرکت نمودند سپس بر مادران هر دو گروه آزمایش و کنترل پس‌آزمون اجرا شد. داده‌های با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS21 و تحلیل کوواریانس تحلیل شد.

ابزار گردآوری اطلاعات:

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند:

این پرسشنامه ۳۰ سؤال دارد که ۱۰ سؤال آن به شیوه‌ی آزاد گذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه‌ی آمرانه و ۱۰ سؤال به شیوه‌ی اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌گردد. مقیاس از صفرتا چهار، نمره‌گذاری می‌گردد. اسفندیاری (۱۳۷۴) اعتبار باز آزمایی این پرسشنامه را برای سهل‌انگارانه، ۰/۶۹، برای آمرانه، ۰/۷۷ و برای اقتدارگرایانه ۰/۷۳ به دست آورده، بیغم (۱۳۷۹) پایایی ابزار را به روش یاز آزمایی برای زیر مقیاس‌ها به شرح زیر گزارش کرده است: آزاد گذاری برابر با ۰/۸۱، استبدادی برابر با ۰/۸۵ و اقتدار منطقی برابر با ۰/۹۲. مؤذنی، آقایی و گل پرور (۱۳۹۳)، آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس آزاد گذاری، ۰/۷۳؛ برای استبدادی، ۰/۷۳ و برای اقتدار منطقی، ۰/۶۹ گزارش کرده است.

محتوای بسته آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض:

در جدول زیر خلاصه‌ای از جلسات آمده است.

جدول (۱) خلاصه جلسات برنامه آموزشی اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض

عنوان جلسات	موضوع	اهداف جلسات
جلسه اول	برقراری گفتگو و اصول مکالمه با کودکان به‌منظور اصلاح رابطه	عمل کردن ماهرانه با کودک و توجه به احساسات او
جلسه دوم	تربیت کودک برای تغییر رفتار	ارائه برنامه منظمی برای تربیت کودک و بررسی نتایج آن در کوتاه‌مدت
جلسه سوم	مدیریت رفتار ناکارآمد	شناخت پیامدهای منفی تنبیه و استراتژی‌هایی برای مقابله با سوء رفتار کودک
جلسه چهارم	کاربرد روش‌های انضباطی در خانواده برای افزایش رفتار مثبت	هماهنگ شدن کودک باارزش‌های جامعه و معیارهای قابل‌قبول
جلسه پنجم	روش‌های انضباطی مثبت، وعدم استفاده از تنبیه	خودداری از تنبیه بدنی همراهی تنبیه باحالت عاطفی مثبت، آموزش رفتار مثبت به کودک
جلسه ششم	آموزش مدیریت تعارض	شناخت انواع تعارض شاخت فواید مدیریت تعارض
جلسه هفتم	کاربرد مهارت	آشنایی اعضا با منابع و زمینه¬های پدیدآورنده تعارض بیان الگوی آسیب‌شناسی تعارض
جلسه هشتم	راهکارهای کاهش تعارض	تشخیص منشأ تعارض، انتخاب یک راهبرد مناسب مدیریت تعارض و استفاده از فنون خاص حل مسئله برای حل تعارض‌ها

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق در دو قسمت توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. جدول (۲) یافته‌های توصیفی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۲) یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها		گروه	مراحل	تعداد افراد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک‌های فرزند پروری	آزاد گذاری	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۰	۱۸/۳۰	۷/۲۶
			پس‌آزمون	۲۰	۱۵/۵۰	۲/۶۸
		کنترل	پیش‌آزمون	۲۰	۱۷/۳۰	۹/۷۱
			پس‌آزمون	۲۰	۱۷/۳۰	۶/۵۱
	استبدادی	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۰	۱۹	۹/۳۱
			پس‌آزمون	۲۰	۱۲/۰۵	۴/۳۹
		کنترل	پیش‌آزمون	۲۰	۲۲	۶/۸۶
			پس‌آزمون	۲۰	۲۰/۷	۶/۰۱
	اقتدارطلبی	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۰	۲۷/۳۵	۵/۳۱
			پس‌آزمون	۲۰	۳۲/۹۵	۳/۴۴
		کنترل	پیش‌آزمون	۲۰	۳۰/۳۰	۳/۴۶
			پس‌آزمون	۲۰	۳۰/۴۰	۳/۹۵

برای انجام کوواریانس ابتدا پیش‌فرض نرمال بودن داده‌های و برابری واریانس‌ها بررسی می‌شود. بررسی پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف –اسمیرنوف و برابری واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین صورت گرفت. نتایج آن‌ها در جداول شماره ۳ و ۴ ارائه می‌شود.

جدول (۳) خلاصه آزمون کولموگروف –اسمیرنوف

شاخص / متغیر	k-s-z	معناداری
خرده مقیاس آزاد گذاری	۰/۸۸۹	۰/۴۰۸
خرده مقیاس استبدادی	۰/۵۶۸	۰/۹۰۳
خرده مقیاس اقتدار منطقی	۱/۱۳۸	۰/۱۵۰

همان‌طور که جدول (۳) مشاهده می‌شود سطح معناداری تمام متغیرها از ۰/۰۵ بیشتر است بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود و این بیانگر آن است که داده‌های متغیرهای موردبررسی در این تحقیق دارای فرض نرمال بودن، است.

جدول(۴) خلاصه آزمون نتایج آزمون لوین

شاخص / متغیر	F	Df1	Df2	سطح معناداری
خرده مقیاس آزاد گذاری	۰/۸۱۷	۱	۳۸	۰/۰۷
خرده مقیاس استبدادی	۱/۵۱	۱	۳۸	۰/۲۲۶
خرده مقیاس اقتدار منطقی	۱/۴۴	۱	۳۸	۰/۴۲

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود سطح معناداری خرده مقیاس‌های آزاد گاری، استبدادی و اقتدار منطقی مادران بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و واریانس گروه‌ها در این متغیرها برابر هستند.

فرضیه تحقیق:

آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر سبک‌های فرزند پروری مادران دارای کودک دبستانی شهر اصفهان مؤثر است.

برای بررسی فرضیه تحقیق ازآنجاکه سبک‌های فرزند پروی نمره کل ندارد و از سه خرده مقیاس مجزا تشکیل شده است بنابراین این سه خرده مقیاس آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی به‌صورت فرضیه‌های مجزا بررسی می‌گردد.

نتایج مرتبط با خرده مقیاس آزاد گذاری در جدول (۵) ارائه‌شده است.

جدول (۵) نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمایش و کنترل در خرده مقیاس آزاد گذاری

شاخص / متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۸۰/۱۳۱	۱	۸۰/۱۳۱	۳/۴۳	۰/۰۷۲
گروه‌ها	۳۸/۶۴	۱	۳۸/۶۴	۱/۶۵	۰/۲۰۶
خطا	۸۶۳/۰۶	۳۷	۲۳/۳۲		

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، با حذف اثرات نمرات پیش‌آزمون خرده مقیاس آزاد گذاری، بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون خرده مقیاس آزاد گذاری، تفاوت معناداری وجود ندارد (F= ۱/۶۵و p >۰/۰۵) و بنابراین آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر خرده مقیاس آزاد گذاری از سبک‌های فرزند پروری مادران دارای کودک دبستانی شهر اصفهان تأثیر معناداری نداشته است.

خرده مقیاس استبدادی

نتایج مرتبط با خرده مقیاس استبدادی در جدول (۶) ارائه‌شده است.

جدول (۶) نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمایش و کنترل در خرده مقیاس استبدادی

شاخص / متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۱۰/۴۳	۱	۱۰/۴۳	۰/۳۷۰	۰/۵۴۷
گروه‌ها	۷۶۳/۶۹	۱	۷۶۳/۶۹	۲۷/۰۵	۰/۰۰۰۱
خطا	۱۰۴۴/۲۶	۳۷	۲۸/۲۲		

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، با حذف اثرات نمرات پیش‌آزمون خرده مقیاس استبدادی، بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون خرده مقیاس استبدادی، تفاوت معناداری وجود دارد (F= ۲۷/۰۵و p < ۰/۰۱)، می‌توان نتیجه گرفت: آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر خرده مقیاس استبدادی سبک‌های فرزند پروری مادران دارای کودک دبستانی شهر اصفهان تأثیر معناداری داشته است و این تأثیر در جهت کاهش میزان سبک استبدادی مادران بوده است.

خرده مقیاس اقتدار منطقی

نتایج مرتبط با خرده مقیاس اقتدار منطقی در جدول (۷) ارائه‌شده است.

جدول (۷) نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمایش و کنترل در خرده مقیاس اقتدار منطقی

شاخص / متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۸۲/۰۸	۱	۸۲/۰۸	۴/۴۴	۰/۰۴۲
گروه‌ها	۸۲/۰۸	۱	۸۲/۰۸	۷/۵۶	۰/۰۰۹
خطا	۶۸۲/۶۶	۳۷	۱۸/۴۵۰		

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، با حذف اثرات نمرات پیش‌آزمون اقتدار منطقی، بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون خرده مقیاس اقتدار منطقی، تفاوت معناداری وجود دارد (F = ۷/۵۶ و p < ۰/۰۱) می‌توان نتیجه گرفت: آموزش اصلاح روابط

مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره۱۵ ، بهار۱۳۹۸ جلد۳، ص۱۳۲-۱۲۱

http://www.jhss.ir

والد-کودک و مدیریت تعارض بر خرده مقیاس اقتدار منطقی از سبک‌های فرزند پروری مادران دارای کودک دبستانی شهر اصفهان تأثیر معناداری داشته است و این تأثیر در جهت افزایش میزان سبک اقتدار منطقی مادران بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش اصلاح روابط والد – کودک و مدیریت تعارض بر سبک¬های فرزند پروری مادران دارای کودک دبستانی شهر اصفهان پرداخته است نتایج مربوط به خرده مقیاس‌های سبک فرزند پروری در جداول ۵، ۶ و ۷ بیان داشت که آموزش اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض بر سبک‌ها استبدادی و اقتدارطلبی مثبت مادران کودکان دبستانی تأثیر معناداری داشته است و این تأثیر سبب کاهش سبک استبدادی و افزایش سبک اقتدار منطقی بوده است ولی بر خرده مقیاس آزاد گذاری تأثیر معناداری نداشته است.

در تبیین اینکه چرا نتایج آموزشی اصلاح روابط والد-کودک و مدیریت تعارض سبب کاهش سبک استبدادی و افزایش سبک اقتدار منطقی بوده است، می توان گفت فراد گروه آزمایش، بعد از جلسات آموزشی، ارتباط خوبی با فرزندان خود نشان دادند و در ابراز محبت و مهربانی به کودکان خود کوتاهی نکردند و به علایق فردی و ویژگی‌های خاص کودک خود توجه نمودند. هم‌چنین علاقه‌مند به صحبت کردن و راهنمایی فرزندان خود بودند و در موقع مناسب به کودک اجازه اظهارنظر دادند. مادران کنترل مناسب همراه بامحبت به کودک داشتند و قوانین روشن و در حد متعادلی را پایه‌ریزی کردند. با تغییر این رفتارها بیشتر گرایش به سبک تربیتی اقتدارطلبی مثبت پیدا کردند و میزان این سبک در مادران افزایش پیدا کرد. آنان وقتی از تنبیه، رفتارهای مقابله و رفتارهای استبدادی فاصله گرفتند میزان سبک فرزند پروری استبدادی آن‌ها کاهش یافت.

مادران شرکت‌کننده در جلسات اظهار کردند که با تغییر سبک فرزند پروری از استبدادی به اقتدارطلبی مثبت نتایج مثبتی عاید خانواده آن‌ها شده است. نتایج این تحقیق با تحقیق ابار، کارتر و وینسسلر (۲۰۰۹)، نشان دادند که کودکان والدین مقتدر، سازگاری بهتر، مشکلات کمتری نسبت به سایر کودکان از خود نشان دادند. سبک‌های مقتدر، منجر به سازگاری بالاتر کودکان با همسالان گردید. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش برینک‌میر و ابرک (۲۰۰۳) که نشان دادند آموزش اصلاح روابط و مدیریت تعارض والدین کمک - کرد تا سبک تربیتی متناسب با نیاز فرزندشان را انتخاب کنند و تعاملات موفق‌تر با آن‌ها داشته باشند، هم‌خوانی دارد.

می‌توان به تحقیق چافین، سیلوسکی، فاندربرک و وال (۲۰۰۴)، نیز اشاره کرد نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش والدین در حوزه‌ی تعاملی و ارتباطی، عاملی برای جلوگیری از رفتارهای منفی کودک می‌شود و با نتایج این پژوهش، هم‌راستا است. همچنین نتایج پژوهش یزدان پناه، حضرتی ویری، کیانی و اشرف‌آبادی (۱۳۹۱) که نشان داده‌اند استفاده از سبک مثبت حل تعارض والدین بر برخورد مؤثر فرزندان با مسائل اجتماعی تأثیر دارد با نتایج این پژوهش همسو است. ضیاء خدادادیان، سیرتی‌نیر، خمسه و عبادی (۱۳۹۱)، آموزش مهارت حل تعارض را برای ارتقاء رضایت از زندگی خانواده جانبازان معرفی کرده‌اند، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های حل تعارض باعث ارتقاء رضایت زندگی خانواده می‌شود. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش وبستر و هاموند (۱۹۹۸) که نشان دادند، بهبود روابط و مدیریت تعارض منجر به افزایش سبک‌های اقتدارطلبی مثبت می‌شود هم‌خوانی دارد.

در محدودیت این تحقیق می‌توان گفت که این تحقیق در اصفهان انجام‌شده و در هنگام تعمیم نتایج آن باید به شباهت‌های فرهنگی– اجتماعی توجه شود. همچنین این تحقیق با مادران صورت گرفته و نمی‌توان نتایج آن را به پدران تعمیم داد. در این تحقیق به دلیل کمبود وقت پی گیری صورت نگرفت. در پایان لازم است از خانواده های گرامی، دانش آموزان عزیز و مدیریت آموزش و پرورش اصفهان که پژوهشگر را همیاری کردند، کمال تقدیر و تشکر به عمل می آید.

منابع

[۱]اسفندیاری. غ. (۱۳۷۴). مقایسه سبک‌های فرزند پروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انیستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.

[۲]بهادری، ا. و خیر، م.(۱۳۹۱). رابطه سرسختی روانشناختی و انعطاف‌پذیری خانواده با سبک‌های مقابله با استرس در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی. ۲(۷): ۱-۱۸.

[۳]بیرامی، م.(۱۳۹۲). نقش کیفیت زندگی و سبک‌های فرزند پروری در مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی. ششمین کنگره‌ی آسیب‌شناسی کودکی و نوجوانی. تبریز.

[۴]بیغم. ح. (۱۳۷۹). رابطه بین اختلال وسواس فکری-عملی و سبک‌های فرزند پروری اقتدارمنطقی، آزاد گذاری و استبدادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انیستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.

[۵]پاشا. غ؛ نادری. ف. و اکبری، ش. (۱۳۸۹). مقایسه تصویر بدنی، شاخص حجم بدنی، سلامت عمومی و خود پنداره بین افرادی که جراحی زیبایی کرده‌اند و افراد متقاضی جراحی زیبایی و ارفاد عادی شهر بهبهان. یافته‌های نو در روان‌شناسی. ۱۵: ۶۱-۸۰.

[۶]پرنده، ا. سیرتی‌نیر، م؛ خاقانی‌زاده. م؛ و کریمی، ع.(۱۳۸۵). تأثیر آموزش حل تعارض بر کیفیت زندگی همسران جانبازان مبتلا به **PTSD**. مجله طب نظامی. ۸(۱): ۴۵-۵۱.

[۷]پرنده. ا، سیرتی‌نیر. م، خاقانی‌زاده. م و کریمی. ع.(۱۳۸۶). مقایسه تأثیر دو روش حل تعارض و آرام‌سازی بر کیفیت زندگی همسران جانبازان مبتلا به **PTSD** با اختلال افسردگی اساسی. مجله فصلنامه اصول بهداشت روانی. ۸(۳۳ و ۳۴): ۶۷-۷۸.

[۸]پورکیا. ف؛ فداکار شوشتری. ف؛ شانکی‌باورصاد. ش و شریفات خلف‌آبادی. س. (۱۳۸۶). مقایسه خود پنداره و استرس معلمان و دانش‌آموزان استثنایی و معلمان عادی شهرستان اهواز. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه آزاد واحد اهواز.

[۹]ثنائی، ب (۱۳۸۷). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: نشر بعثت.

[۱۰]حسینی، م.ع. و عظیم زاده. ا. (۱۳۹۲). همبستگی خودکارآمدی و راهبردهای مدیریت تعارض در پرستاران، مدیریت ارتقای سلامت، دوره ۲، شماره ۴.

[۱۱]رجب‌پور. م، مکوندحسینی. ش و رفیعی‌نیا. پ. (۱۳۹۱). اثربخشی گروه درمانی رابطه والد -کودک بر پرخاشگری کودکان پیش دبستانی. مجله روان شناسی بالینی. ۴(۱): ۶۵-۷۴.

[۱۲]رقیبی. م و میناخانی. غ.(۱۳۹۰). ارتباط مدیریت بدن با تصویر بدنی و خود پنداره. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۱۲(۴): ۷۲-۸۱.

[۱۳]رضایی، ا. و خداخواه، ش.(۱۳۸۸)، رابطه ی بین سبک های فرزند پروری و باورهای معرفت شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه، مجله علوم تربیتی، ۲(۵): ۱۱۷ -۱۳۴.

[۱۴]سپاه‌منصور. م، امامی‌پور. س و حسن‌زاده، س. (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند -والد بر نگرش فرزندان نسبت به والدین. مجله اندیشه و رفتار. ۴(۱۴): ۶۵-۷۵.

[۱۵]شعاری نژاد، ع.(۱۳۸۲). روانشناسی رشد ۲: نوجوانی و بلوغ. تهران؛ انتشارات دانشگاه پیام نور.

[۱۶]صفوی. م و معروفی. ش.(۱۳۹۱). همبستگی سبک‌های دلبستگی با اضطراب صفت -حالت. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. ۲۲(۴): ۳۰۷-۳۱۲.

[۱۷]ضیاءخدادادیان. م، سیرتی‌نیر. م، خمسه. ف و عبادی. ع. (۱۳۹۱). مقایسه تأثیر دو روش حل تعارض و مدیریت هوش‌هیجانی بر رضایت از زندگی همسران جانبازان اعصاب و روان. مجله علمی-پژوهشی طب جانباز. ۴(۱۵): ۵۲-۶۱.

[۱۸]عباسی. مرضیه و طاهرنشاط‌دوست. حمید. (۱۳۹۲). اثربخشی درمان تعامل والد کودک بر کاهش نشانه های اختلال نافرمانی مقابله ای. مجله روان شناسی بالینی. ۵(۳): ۵۹-۶۸.

[۱۹]کماچالی، ص ، و همکاران(۱۳۸۶)، رابطه ی الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی، علوم رفتاری، ۱، ۳۲– ۴۰.

[۲۰]مشتاقی،س. میرهاشمی، م و شریفی،ح. (۱۳۹۲). بررسی نقش سبک های فرزند پروری ادراک شده در جهت گیری هدف پیشرفت دانش آموزان، یافته های نو در روان شناسی، ۸(۲۶): ۳۹ -۵۲.

[۲۱]مجد، ا. (۱۳۸۳)، نقش شیوه های فرزندپروری در آزمون ترسیم خانواده و اختلافات روانی کودکان پیش دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

[۲۲]منصوری، ز.(۱۳۹۲). ارتباط تصویر تن و عملکرد تحصیلی :کنترل نقش اضطراب، عزت نفس و سطح تحصیلات مادر. ششمین کنگره‌ی آسیب‌شناسی کودکی و نوجوانی. تبریز.

[۲۳]موذنی. ط. آقایی. ا و گل‌پرور. م.(۱۳۹۳). پیش بینی سبک‌های دلبستگی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزند پروری والدین. فصلنامه آموزش و ارزشیابی. ۷(۲۵): ۸۷-۹۹.

[۲۴]مهرافزا، م (۱۳۸۳)، بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.

[۲۵]مینوچین، س.(۱۹۷۴). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه باقر ثنایی (۱۳۸۹). تهران: امیرکبیر.

[۲۶]یزدان‌پناه. م، حضرتی‌ویری. ا، کیانی. س و اشرف‌آبادی، م. (۱۳۹۱). نقش سبک‌های حل تعارض والدین و سازگاری اجتماعی و سبک‌های حل مسئله اجتماعی فرزندان. فصلنامۀ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷: ۲۶۷-۲۷۹.

[۲۷]یوسفی، ف. (۱۳۸۶)، ارتباط سبک های فرزند پروری والدین با مهارتهای اجتماعی، جنبه هایی از خود پندارهی دانش آموزان دبیرستانی، دانشور رفتار، ۲۲.

[۲۸] Abela JRZ, Hankin BL, Haigh EAP, Adams P, Vinokuroff T, Trayhern L.(2005). Interpersonal vulnerability to depression in high-risk children: The role of insecure attachment and reassurance seeking. Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology. 34:182–192.

[۲۹] Adams, K. S. Sheldon-Keller, A. E.&West, M. (1996). Attachment organization and history of suicidal behavior in clinical adolescents. Journal of Consulting and Clinical Psychology. 64: 264-272.

[۳۰] Antonovsky, A. & Sourani, T. (1988). Family sense of coherence and family adaptation. Journal of Marriage and the Family. 50: 79–92.

[۳۱] Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority developmental psychology patterns of parental authority. Development psychology Monograph, 4 (part 2), 1-103.

[۳۲] Brown, L. S. & Wright, J. (2003). The relationship between attachment strategies and psychopathology in adolescence. Psychology and Psychotherapy: Theory, Research, and Practice. 76: 351-367.

[۳۳] Burt, S. A. Krueger, R. F. McGue, M. & Iacono, W. (2003) Parent–child conflict and the comorbidity among childhood externalizing disorders. Archives of General Psychiatry. 60 :505–513.

[۳۴] Cames – Holt, K. (2012). Child- parent relationship therapy for adoptive families. Fam j, 20 (4):419-426.

[۳۵] Chaffin. M, Silovsky. JF, Funderburk. B, Valle LA, Brestan. EV, Balachova, T, Jackson S, Lensgraf. J & Bonner. BL. (2004). Parent-child interaction therapy with physically abusive parents: Efficacy for reducing future abuse reports. J Consul Clin Psychol. 72(3):500-510.

[۳۶] Crea. T.M, Chan. K, & Barth. R.P. (2013). Family environment and attention-deficit/ hyperactivity disorder in adopted children: associations with family cohesion and adaptability.John Wiley & Sons Ltd, Child: care, health and development.

[۳۷] Dindia. K. & Emmers-Sommer. T. M. (2006).What partners do to maintain their close relationships. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds.), Close relationships: Functions, forms and processes (pp. 305–324). New York: Psychology Press.

[۳۸] Eyberg, S.M. (1988) ‘Parent–child interaction therapy: integration of traditional and behavioural concerns’, Child and Family Behaviour Therapy, Vol. 10, pp. 33–46.

[۳۹] Feldman. Ruth, Masalha. Shafiq & Derdikman-Eiron. Ruth.(2010). Conflict Resolution in the Parent–Child, Marital, and Peer Contexts and Children’s Aggression in the Peer Group: A Process-Oriented Cultural Perspective. Developmental Psychology. 46(2): 310-325.

[۴۰] Forehand, R.L. and McMahon, R.J. (1981) Helping the Noncompliant Child: A Clinician’s Guide to Parent Training. London: Guilford.

[۴۱] Forgatch, M. and DeGarmo, D.S. (1999) ‘Parenting through change: an effective prevention program for single mothers’, Journal of Consulting and Clinical Psychology, Vol. 67, pp. 711–24.

[۴۲] Hardy DF, Power TG. Jeadicke S.Examining the relation of parenting to childrens coping with everyday stress.Child Development. 1993; 64:184.

[۴۳] Gallarin. M & Alanso. A.(2011). Parental practice, parental attachment & aggression in adolescence: A predictive model. Journal of adolescence. 35(6): 1601-1610.

[۴۴] Grolnick, W. S. (2009) The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. Theory and Research in Education, 7, 164-173.

[۴۵] Gordon, K. W. (2008). The multidimensionality of peer victimization. USA: University of Mississippi, 15-28.

[۴۶] Guay F, Larose S, Boivin M.(2004). Academic self-concept and educational attainment level: A ten-year longitudinal study. Self and Identity, 3(1):53-68.

[۴۷] Gonzalez, A. R., & Wolters, A. C. (2006). The relationship between perceived parenting practices and achievement motivation in mathematics. Journal of Research in Childhood Education, 21, 203-216.

[۴۸] Hay. Ian, Byrne. Marie & Butler. Catherine.(2000). Evaluation of a conflict-resolution and problem-solving programme to enhance adolescents' self-concept. British Journal of Guidance & Counselling. 28(1): 101-113.

[۴۹]Hetherington, E.M. Henderson, S. and Reiss, D. (1999) 'Family functioning and adolescent adjustment of siblings in nondivorced families and diverse types of stepfamilies', Monographs of the Society for Research in Child Development, Vol. 64, No. 4, Serial No. 259.

[۵۰] Lee, E. H., Zhou, Q., Eisenberg, N., & Wang, Y. (2013). Bidirectional relations between temperament and parenting styles in Chinese children. *International journal of behavioral development*, *37*(1), 57-67.

[۵۱] Irons C, Gilbert P.(2005). Evolved mechanisms in adolescent anxiety and depression symptoms: The role of the attachment and social rank systems. Journal of Adolescence. 28:325–341.

[۵۲]Jaycox, L. H. & Repetti, R. L. (1993) Conflict in families and the psychological adjustment of preadolescent children. Journal of Family Psychology. 7: 344–355.

[۵۳] Juffer, F. Bakermans-Kranenburg, M. J. van IJzendoorn, M. H. (2008) Prpmoting posive parentingan attachment-based intervention. New York London Taylor & Francis Group.

[۵۴] Maccoby, E. E. (1992). The role of parents in the socialization of children: An historical perspective. Developmental Psychology, 28, 1006–1017.

[۵۵] Marcus, R. F. & Sanders-Reio, J. (2001). The influence of attachment on school completion. School Psychology Quarterly. 16: 427-444.

[۵۶] Marsh H, Parada R, Craven R, Finger L (2004). In the looking glass: A reciprocal effects model elucidating the complex nature of bullying, psychological determinants, and the central role of self-concept. In Bullying: Implications for the classroom. Edited by Sanders C, Phye G. San Diego: Elsevier Academic Press, 63-109.

[۵۷] Merz, E.M. Schuengel, C. & Schulze, H.J. (2009). Intergenerational relations across 4 years: Well-being is affected by quality, not by support exchange. The Gerontologist, 49, 536–548. DOI:10.1093/geront/gnp043

[۵۸] Moos, R. H. & Moos, B. S. (1994) Family and Environment Scale Manual: Development, Applications, Research, 3rd edn. Consulting Psychologists Press, Palo Alto, CA, USA.

[۵۹] Muris P, Meesters C.(2002). Attachment, behavioral inhibition, and anxiety disorders symptoms in normal adolescents. Journal of Psychopathology & Behavioral Assessment. 24:97–106.

[۶۰] Olson DH.(2000). Circumplex model of marital and family systems. Journal of Family Therap. 22: 144-67.

[۶۱] Pinzi, R. Ram. A. Har-Even, D. Shnit, D. & Weizman, A. (2001). Attachment styles and aggression in physically abused and neglected children. Journal of Youth and Adolescence. 30: 769-786.

[۶۲] Safford SM, Alloy LB, Crossfield AG, Morocco AM, Wang JC.(2004). The relationship of cognitive style and attachment style to depression and anxiety in young adults. Journal of Cognitive Psychotherapy. 18:25–41.

[۶۳] Shaver, P. R. & Mikulincer, M. (2002). Attachment-related psychodynamics. Attachment and Human Development. 4: 133–161.

[۶۴] Solomon M, Ono M, Timmer S & Gooin-Jones B.(2008). The effectiveness of parent-child interaction therapy for families of children on the autism spectrum. J Autism Dev Disord. 38: 1767- 1776.

[۶۵] Schroeder, R. D., & Mowen, T. J. (2014). Parenting style transitions and delinquency. *Youth & Society*, *46*(2), 228-254.

[۶۶] Vereecken, C. Legiest, E. Bourdeaudhuij, I.D. Maes, L. (2009). Associations between general parenting styles and specific food-related parenting practices and children's food consumption. American Journal of Health Promotion, 233-240.

[۶۷] Warren, S. L. Houston, L. Egeland, B. & Sroufe, L. A. (1997). Child and adolescent anxiety disorders and early attachment. Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry. 36: 637-644.

[۶۸] Webster-Stratton, C. (1981) 'Modifi cation of mothers' behaviours and attitudes through videotape modelling group discussion', Behaviour Therapy, Vol. 12: 634–42.

[۶۹] Webster-Stratton. & Hamond..(1998). Marital Conflict Management Skills, Parenting Style, and Early-onset Conduct Problems: Processes and Pathways. Journal of Child Psychology and Psychiatry. 40(6): 917-927.

[۷۰] Wei M, Mallinckrodt B, Russell DW, Abraham WT. (2004). Maladaptive perfectionism as a mediator and moderator between adult attachment and depressive mood. Journal of Counseling Psychology. 51:201–212.

[۷۱] Willinger, U. Diendorfer-Radner, G. Willnauer, R. Jörgl, G. & Hager, V. (2005). Parenting stress and parental bonding. Behavioral Medicine.31 (2): 63-72.

[۷۲] Xia, Y.R. Xie, X. Zhou, Z. DeFrain, J. William, M.H. & Combs, R. (2004). Chinese adolescents' decision-making, parent-adolescent communication and relationships. Marriage & Family Review. 36: 119-146.

[۷۳] Yoshizumi, T. Murase, S. Murakami, T. & Takai, J. (2007). Dissociation as a mediator between perceived parental rearing style and depression in an adult community population using college students. Personality and Individual Differences. 43:353–364.